

آینده‌پژوهی محور مقاومت مبتنی بر ساختار و راهبرد بازیگران (بر اساس تحولات طوفان الاقصی تا بعد از جنگ رمضان)

ایوب نیکونهاد^۱

چکیده

محور مقاومت از زمان شکل‌گیری مفهومی و عملیاتی آن تاکنون فرازوفرودهای سیاسی- نظامی بسیاری را پشت سر گذاشته است. در این میان تحولات عرصه میدانی بعد از طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا تحولات بعد از جنگ رمضان (۲۰۲۶) در ایران، نشان‌دهنده دگرگونی‌های بنیادین در تحولات منطقه‌ای است که بر آینده این محور به شدت تأثیرگذار است. هدف پژوهش حاضر، تحلیل سناریوهای پیش روی محور مقاومت بر اساس منافع و راهبردهای بازیگران است. سؤال اصلی این است که آینده محور مقاومت بر اساس واقعیت‌های میدانی چگونه قابل ترسیم است؟ پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل ساختار و راهبرد بازیگران و نرم‌افزار مکتور و با استفاده از پرسشنامه خبرگانی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که منطبق با تحولات میدانی و واقعیت‌های منطقه‌ای در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی دو سناریوی محتمل تغییر ساختار، راهبرد و ماهیت محور مقاومت که در آن ایران با اعمال کنترل متمرکزتر و مشروط، شبکه خود را از ابزاری تهاجمی به سپری تدافعی بازتعریف می‌کند و محور حول بازیگران شیعی (ایران، حشدالشعبی، حزب‌الله) بازسازی می‌شود و سناریوی انحلال و اضمحلال تدریجی محور مقاومت مهم‌ترین سناریوهای پیشروی محور مقاومت به شمار می‌آیند. بازیگرانی چون ایران، آمریکا، رژیم صهیونیستی و روسیه به عنوان تأثیرگذارترین کنشگران در آینده محور مقاومت شناسایی شدند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که آینده محور مقاومت نه در مسیر گسترش، بلکه در طیفی از بازتعریف راهبردی تا اضمحلال تدریجی در نوسان است و به تحولات راهبردی بازیگران کلیدی، به‌ویژه ایران و آمریکا، وابسته خواهد بود. در میان بقاء محور مقاومت بر گسترش آن در حال حاضر اولویت دارد و راهبرد اصلی اعضای این محور نیز بقا و مدیریت بحران است.

واژگان کلیدی: محور مقاومت، منطقه غرب آسیا، سناریونویسی، تغییر ساختار، انحلال، منافع بازیگران، جمهوری اسلامی ایران.

۱. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه پدافند هوایی

۱. مقدمه و بیان مسئله

محور مقاومت از زمان شکل‌گیری مفهومی و عملیاتی خود تاکنون، دست‌خوش فرازوفرودهای سیاسی-نظامی بسیاری بوده است. آنچه این ائتلاف منطقه‌ای را از دیگر همکاری‌های امنیتی در غرب آسیا متمایز می‌سازد، نه صرفاً همگرایی منافع استراتژیک، بلکه پیوندی عمیق از ایدئولوژی، بازدارندگی نامتقارن و شبکه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی است که حول محور کنشگری گفتمانی جمهوری اسلامی ایران در محیط منطقه‌ای و نظام بین‌الملل شکل گرفته است. این شبکه، طی دو دهه گذشته، توانسته است به‌عنوان یک الگوی کارآمد از بازدارندگی شبکه‌ای در غرب آسیا ایفای نقش کند؛ الگویی که در آن می‌توانست معادلات امنیتی منطقه را به نفع خود دگرگون سازد. با این حال، تحولات میدانی پس از عملیات «طوفان الاقصی» در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در سرزمین‌های اشغالی تا وقایع اخیر پس از «جنگ رمضان» (۲۰۲۶) در ایران، نشان‌دهنده دگرگونی‌های بنیادینی است که بر آینده این محور به‌شدت تأثیرگذار بوده است. عملیات طوفان الاقصی که توسط حماس به‌عنوان یکی از ارکان محور مقاومت طراحی و اجرا شد، یک نقطه عطف راهبردی محسوب می‌شود. نقطه عطفی که قواعد بازدارندگی، مشروعیت‌یابی و کاربرد زور در غرب آسیا را بازتعریف کرد و این منطقه را به یک میدان نبرد به‌هم‌پیوسته تبدیل نمود که در آن مرزها محو و جبهه‌ها با یکدیگر تداخل یافته‌اند. در طول ۲۰۰ روز نخست جنگ غزه، جبهه‌های مختلف محور مقاومت در حمایت از این عملیات، ۱۹۹۸ عملیات نظامی انجام دادند که نشان‌دهنده هماهنگی بی‌سابقه‌ای در شبکه مقاومت بود؛ اما آنچه مسیر این محور را از یک ائتلاف تهاجمی و گسترش‌طلب به مجموعه‌ای از بازیگران درگیر بقا و مدیریت بحران تغییر داد، تحولات شگرف سال ۲۰۲۶ بود. در صبح روز ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، مصادف با دهمین روز از ماه مبارک رمضان، حملات تجاوزکارانه هوایی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران آغاز شد. این حملات که در ایران به «جنگ رمضان» نام گرفته است، باهدفی راهبردی علیه قلب محور مقاومت طراحی شده بود. نخستین هدف این حملات، بیت رهبری رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌عنوان پرچم‌دار اصلی جریان و محور مقاومت بود که به شهادت ایشان و جمعی از اعضای خانواده‌شان انجامید. فقدان رهبری شهید انقلاب که طراح اصلی الگوی شبکه‌ای محور مقاومت در سطح گفتمانی و حتی عملیاتی آن بود در کنار آن تحمیل یک جنگ تجاوزکارانه سنگین به ایران به‌عنوان ام‌القرای محور مقاومت، معادلات سیاسی نظامی آینده محور مقاومت را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. بااینکه محور مقاومت به‌عنوان یک کل منسجم در جریان جنگ رمضان به واکنش نظامی در این جنگ تجاوزکارانه اقدام نمود اما هم‌زمان، فشارهای سیاسی داخلی در سطح کشورهای عضو محور توسط دولت‌ها، فشارهای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بر اضلاع محور مقاومت و مغتنم شمردن فرصت درگیری با ایران، شهادت راهبران کلیدی محور مقاومت در صدر همه آن‌ها رهبر شهید انقلاب و افرادی نظیر سید حسن نصرالله،

اسماعیل هنيه و... آینده محور مقاومت را با چالش‌هایی مواجه کرده است. در این چارچوب، پرسش اصلی که این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به آن است اینکه آینده محور مقاومت بر اساس تحلیل ساختار و راهبرد بازیگران تأثیرگذار بر آن در برهه زمانی مدنظر چگونه قابل ترسیم است؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم تحلیل عمیق منافع و راهبردهای بازیگران کلیدی و سناریوهای محتمل پیشروی این محور در افق آینده است.

۲. پیشینه پژوهش

میر حسینی (۱۴۰۳) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان «قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با عنوان محور مقاومت در نظام غرب آسیا» به شناسایی مهم‌ترین بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تأثیرگذار در غرب آسیا پرداخته است. نصر اصفهانی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان «آینده جایگاه محور مقاومت در پرتو هندسه قدرت جهانی» با استفاده از روش پژوهش کیفی و بررسی اسناد به تحقیق درباره آینده جایگاه محور مقاومت در پرتو هندسه قدرت جهانی پرداخته‌اند. غفاری هاشجین و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان «سناریوهای آینده محور مقاومت بر اساس عدم قطعیت‌های بحرانی» با استفاده از رویکرد سناریونویسی بر اساس عدم قطعیت‌های بحرانی به بیان سناریوهای آینده محور مقاومت پرداخته‌اند. قاسمی (۱۴۰۰) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی» با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان به چگونگی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر شکل‌گیری محور مقاومت ملهم از اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) پرداخته است. نوروژی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان «آینده‌پژوهی عوامل مؤثر بر محور مقاومت با تأکید بر ناآرامی‌های عراق و لبنان» با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی به تبیین پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده محور مقاومت پرداخته‌اند. نوآوری این پژوهش با سایر پژوهش‌هایی که در رابطه با محور مقاومت به رشته تحریر درآمده در این است که این پژوهش برخلاف پژوهش‌هایی که صرفاً به بیان و تبیین توصیف گفتمانی محور مقاومت و یا تبیین ژئوپلیتیک عملیاتی آن پرداخته، محدود نشده و با بهره‌گیری از رویکرد ساختار و راهبرد بازیگران به تشریح سناریوهای آینده محور مقاومت پرداخته است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

نظریه موازنه سازی منطقه‌ای، شاخه‌ای از سنت کهن موازنه قوا در روابط بین‌الملل است. هانس مورگنتا، از نظریه‌پردازان برجسته این سنت، موازنه قوا را «میل طبیعی دولت‌ها برای جلوگیری از سلطه نظامی یک دولت بر سایرین» تعریف کرده و آن را شرط بقای دولت‌ها در نظام آنارشیک می‌داند. (Morgenthau, ۱۹۴۸: ۱۶۷) کنت والتز نیز در نظریه ساختاری خود، موازنه قوا را رفتاری اجتناب‌ناپذیر معرفی می‌کند و معتقد است دولت‌ها در نظام آنارشیک به‌طور خودکار به سمت موازنه سازی در برابر قدرت‌های مسلط حرکت می‌کنند.

(Waltz, ۱۹۷۹: ۱۲۳) با این حال، نظریه پردازان بعدی با نقد این رویکرد صرفاً قدرت محور، دریافتند که انگیزه اصلی دولت‌ها برای ائتلاف سازی، ادراک آن‌ها از تهدید است. این چرخش نظری، زمینه را برای شکل گیری نظریه ای فراهم کرد که هم بر نقش تهدید و هم بر اهمیت سطوح منطقه ای تأکید دارد. نظریه «موازنه در برابر تهدید» که توسط استفان والت در کتاب «ریشه های اتحادها» مطرح شد، نقطه عطفی در این تحول است.

والت استدلال می کند که دولت‌ها ائتلاف‌ها را نه برای متوازن کردن قدرت، بلکه برای متوازن کردن تهدیدها تشکیل می دهند (Walt, ۱۹۹۰: ۵). تمایز کلیدی نظریه وی در آن است که به جای قدرت، «تهدید» را به عنوان مفهوم محوری رفتار ائتلاف سازی در نظر می گیرد و نیت ادراک شده دولت‌ها را با عوامل سستی واقع گرایانه ترکیب می کند (Walt, ۱۹۹۰: ۲۱-۲۶). بر اساس نظریه والت، ادراک دولت از تهدید تابعی از چهار عامل است: قدرت تجمیعی، مجاورت جغرافیایی، قابلیت های تهاجمی و نیت تهاجمی که مهم ترین عامل محسوب می شود (Walt, ۱۹۹۰: ۲۲-۲۵). والت تأکید می کند که «دولت‌ها با قدرتمندترین دولت‌ها متحد نمی شوند؛ بلکه با تهدید آمیزترین دولت‌ها متحد می شوند. (Walt, ۱۹۹۰: ۳۲) در مواجهه با تهدید، دولت‌ها دو راهبرد اصلی دارند: موازنه سازی (اتحاد با دیگران برای مقابله با تهدید) و همسویی با مهاجم (پیوستن به قدرت تهدید کننده) که موازنه سازی رفتاری رایج تر است (Walt, ۱۹۹۰: ۱۷-۲۰; ۲۶۳-۲۶۶).

در کنار نظریه موازنه تهدید، رویکرد مکمل «واقع گرایی منطقه ای» توسط راجش راجاگوپالان در حال طرح است که بر محدودیت های نظریه های بزرگ قدرت محور تأکید دارد. این رویکرد معتقد است نظریه واقع گرایی معاصر با سوگیری نسبت به قدرت های بزرگ، به بازیگران کوچک تر و تفاوت های منطقه ای توجه کافی ندارد و درصدد تکمیل آن با تأکید بر سیاست های درون منطقه ای است (Rajagopalan, ۲۰۲۵: ۳-۵). این رویکرد بر اصول کلیدی استوار است: برای دولت های غیر بزرگ، محرک اصلی سیاست‌ها موازنه قدرت منطقه ای است؛ تلاش های موازنه سازی منطقه ای نحوه دخالت قدرت های بزرگ را تعیین می کند؛ موازنه سازی در مناطق با نابرابری بیشتر دشوارتر است؛ نابرابری منطقه ای پایدارتر از نابرابری جهانی است؛ و ظرفیت قدرت های منطقه ای برای هژمونی به دلیل توانایی مطلق ناکافی و امکان مداخله قدرت های خارجی محدود است (Rajagopalan, ۲۰۲۵: ۷). رانداول شوئر نیز بر این نکته تأکید دارد که نظریه های سستی موازنه قوا نمی توانند واکنش دولت های منطقه ای به تهدیدات را به درستی توضیح دهند؛ زیرا این دولت‌ها اغلب با «بحران های بقا» مواجه اند که معادلات موازنه را تغییر می دهد (Schweller, ۱۹۹۹: ۵-۶). ترکیب این دو نظریه، ابزاری قدرتمند برای درک چرایی و چگونگی شکل گیری ائتلاف های امنیتی و رفتار بازیگران در سطوح مختلف قدرت فراهم می کند.

۴. روش شناسی پژوهش

روش تحلیل ساختاری یا راهبرد بازیگران، یکی از روش‌های کمی آینده‌پژوهی است که با استفاده از نرم‌افزار مکتور، به درک همگرایی و واگرایی میان بازیگران در موقعیت‌های چندبازیگر-چندموضوع با آینده‌ای نامعلوم می‌پردازد. هدف این روش، درک بهتر تکامل موقعیت‌ها از طریق محاسبه منافع و اهداف ذینفعان و روابط میان آنهاست. این روش از شش گام اصلی تشکیل شده است: شناسایی متغیرهای کلیدی (اهداف)، شناسایی بازیگران مؤثر، تشکیل ماتریس بازیگران-اهداف، تشکیل ماتریس بازیگران-بازیگران، ورود داده‌ها و پردازش خروجی (گلن و گوردن، ۱۳۹۴: ۳۵۳). در این پژوهش، با بهره‌گیری از پرسشنامه خبرگان (۱۰ نفر)، بازیگران کلیدی تأثیرگذار بر محور مقاومت شامل ایران، حزب‌الله، حماس، جهاد، انصارالله، حشدالشعبی، عربستان، ترکیه، رژیم صهیونیستی، کشورهای عرب، چین، آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا، دولت عراق و دولت لبنان شناسایی شدند. اهداف نیز در سه سطح تقویت و گسترش، تغییر ساختار و ماهیت و انحلال محور مقاومت تعیین گردید. در دور دوم دلفی، خبرگان میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بازیگران را در مقیاس صفر تا چهار و نیز موافقت یا مخالفت هر بازیگر با اهداف را در مقیاس +۱ موافق، صفر (خنثی) و -۱ مخالف ارزیابی کرده‌اند. داده‌های گردآوری شده در نرم‌افزار مکتور تحلیل شد و خروجی‌های آن شامل نمودارهای اختصاصی هر بازیگر نسبت به اهداف و نمودارهای روابط متقابل بازیگران است که در بخش تحلیل داده‌ها بررسی خواهد شد.

۵. تحلیل داده

۵-۱. شناسایی بازیگران

بازیگران تأثیرگذار در آینده محور مقاومت بر اساس نظرات خبرگان و پیمایش محیطی در چهار دسته بازیگران رسمی حامی، گروه‌های مقاومت، بازیگران معارض و متخاصم و بازیگران تأثیرگذار و ناظر راهبردی قابل تقسیم شدن هستند.

جدول شماره یک: شناسایی بازیگران تأثیرگذار در آینده محور مقاومت

بازیگر رسمی حامی	گروه‌های مقاومت	بازیگران معارض و متخاصم	بازیگران تأثیرگذار و ناظر راهبردی
جمهوری اسلامی ایران	حشد الشعبی	آمریکا	روسیه
	انصار الله یمن	رژیم صهیونیستی	چین
	حزب‌الله لبنان	اتحادیه اروپا	دولت عراق
	گروه حماس	کشورهای عرب منطقه	دولت لبنان
		ترکیه	کشورهای عربی (خلیج فارس)
		عربستان سعودی	

۵-۲. تشریح نقش بازیگران

الف. بازیگران محور مقاومت

۱) جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران به عنوان هسته مرکزی و رهبر راهبردی محور مقاومت، طی چهار دهه گذشته با بهره‌گیری از دکترین «دفاع پیش‌دستانه» و ایجاد شبکه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی شامل حزب‌الله لبنان، حماس، جهاد اسلامی، انصارالله یمن و حشدالشعبی عراق، توانست عمق راهبردی خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی گسترش دهد و الگویی از بازدارندگی نامتقارن را در غرب آسیا پیاده کند (عباسی و محمود زاده، ۱۴۰۱: ۱۲). با این حال، تحولات میدانی پس از عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ را می‌توان نقطه عطفی در سرنوشت این محور و شبکه به شمار آورد. عملیاتی که هرچند ایران آن را طراحی نکرده بود، اما به رژیم رژیم صهیونیستی این امکان را داد تا به‌طور سیستماتیک متحدان تهران را تضعیف کند و تمرکززدایی فزاینده‌ای را در این محور آشکار سازد (Kang & Lei, ۲۰۲۴: ۱۲۸-۱۲۹; Keating, ۲۰۲۶: ۳). جنگ دوازده‌روزه در خردادماه ۱۴۰۴ محور مقاومت را وارد دوره جدیدی کرد و عدم کنشگری محور مقاومت در این جنگ تا حدود خیلی زیادی فرضیه تضعیف آن را تقویت کرد. نقطه اوج این تحولات، وقوع جنگ رمضان در اسفندماه ۱۴۰۴ بود که با حملات مشترک آمریکا و رژیم رژیم صهیونیستی به ایران آغاز شد و در روز نخست منجر به شهادت رهبری معظم انقلاب و جمعی از فرماندهان ارشد گردید، رویدادی که ساختار سه‌گانه محور مقاومت یعنی «مرجعیت ایدئولوژیک رهبر، هماهنگی لجستیکی» را با چالش جدی مواجه کرده است. گرچه اتصال جغرافیایی محور از طریق سوریه پس از تحولات دسامبر ۲۰۲۴ سوریه و سقوط دولت بشار اسد از بین رفته بود. (Al Jazeera, ۲۰۲۶: ۲; Atlantic Council, ۲۰۲۶: ۵). استراتژی فعلی جمهوری اسلامی ایران در برهه کنونی در خصوص محور مقاومت، گذار راهبردی محور از «گسترش» به «بقا» است به گونه‌ای که اولویت اصلی محور مقاومت امروز نه توسعه نفوذ منطقه‌ای، بلکه مدیریت بحران و تاب‌آوری در برابر فشارهای خارجی است. (Atlantic Council, ۲۰۲۶: ۷; Young, ۲۰۲۶: ۶).

۲. حشد الشعبی

حشدالشعبی که در سال ۱۳۹۳ و در پی فتوای جهاد کفایی آیت‌الله سیستانی برای مقابله با داعش شکل گرفت و در سال ۱۳۹۵ به عنوان بخشی از ساختار امنیتی رسمی عراق به رسمیت شناخته شد، بر اساس آمارهای در دسترس امروز به نهادی با بیش از ۶۰ گروه و نزدیک به ۲۳۸ هزار نیرو تبدیل شده است. (Washington Institute, ۲۰۲۵: ۲۳-۲۵).

این نهاد دارای هویت دوگانه‌ای است که آن را به نمونه‌ای از ساختار ترکیبی در خاورمیانه تبدیل کرده است از یک سو بخشی از ساختار رسمی دولت عراق محسوب می‌شود و بودجه خود را از طریق دولت دریافت می‌کند و از سوی دیگر، بسیاری از جناح‌های آن از جمله کتائب حزب‌الله، عصائب اهل الحق، حرکت النجباء و کتائب سیدالشهدا به‌طور مستقل از دولت عمل می‌کنند و با سایر اضلاع محور مقاومت هماهنگی عملیاتی دارند. (۴۰-۴۲: ۲۰۲۶; West Point CTC, ۷-۱۰: ۲۰۲۵; CSAG). با این حال، نفوذ ایران در این ساختار با محدودیت‌هایی نیز مواجه است به گونه‌ای که پویایی‌های سیاسی داخلی عراق به‌طور فزاینده‌ای رفتار حشدالشعبی را شکل می‌دهد و ویژگی‌های خاص جامعه شیعه عراق، امکان هم‌راستایی کامل آن با سایر محورهای مقاومت در مواقع ضروری را به شدت محدود می‌کند (IRSEM, ۵-۹: ۲۰۲۵; GMU CSPS, ۱۳-۱۶: ۲۰۲۴). پس از عملیات طوفان الاقصی در مهر ۱۴۰۲، برخی جناح‌های حشدالشعبی تحت عنوان «مقاومت اسلامی عراق» حملاتی را علیه اهداف رژیم صهیونیستی و آمریکایی انجام دادند، اما در جریان جنگ دوازده‌روزه (خرداد ۱۴۰۴) به‌طور غیرمنتظره‌ای سکوت اختیار کردند و هیچ حمله‌ای به نیروهای آمریکایی در عراق انجام ندادند که نشان‌دهنده وجود منافع مستقل در درون این نهاد است (۱۷-: ۲۰۲۵; GMU CSPS, ۱۰-۱۲: ۲۰۲۶; Pepperdine Policy Review, ۲۱). در جریان جنگ رمضان (اسفند ۱۴۰۴ تا خرداد ۱۴۰۵) شاهد انجام عملیات‌های از سوی گروه‌های عراقی در حمایت از جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و علیه اهداف آمریکایی - صهیونی بوده‌ایم. در عرصه داخلی عراق، دولت در اسفند ۱۴۰۳ لایحه‌ای برای نهاده‌سازی دائمی حشدالشعبی با اختیارات گسترده به پارلمان ارائه کرد، اما این لایحه در شهریور ۱۴۰۴ به دلیل فشارهای خارجی و اختلافات داخلی از دستور کار خارج شد. (۲۰۲۵: Washington Institute, ۳۷-۴۳) آمریکا نیز در پیش‌نویس قانون اختیارات دفاعی ملی شرط کرد که ۷۵ درصد از کمک‌های مالی به نیروهای امنیتی عراق منوط به کاهش توان عملیاتی گروه‌های مقاومت در عراق خواهد بود (۲۰۲۵: Rudaw, ۷-۱۵). دولت عراق در تیرماه ۱۴۰۵ به جناح‌های مسلح تا مهرماه همان سال مهلت داد تا سلاح‌های خود را زمین بگذارند، اما جناح‌های کلیدی مانند کتائب حزب‌الله و النجباء اعلام کردند که به مبارزه ادامه خواهند داد (۱۳-۱۵: ۲۰۲۶; Chatham House). در حال حاضر چالش انحصار سلاح در دست دولت در دولت جدید عراق (علی الزیدی) کماکان برقرار بوده و حتی در داخل گروه‌های شیعه همانند جریان صدر این مسئله سال‌هاست که پیگیری می‌شود.

۳. انصار الله یمن

جنبش انصارالله که در دهه ۱۹۹۰ در استان صعده در شمال یمن شکل گرفت، در ابتدا به‌عنوان جنبشی برای احیای مذهب زیدی پا به عرصه وجود نهاد. ریشه این جنبش در نارضایتی‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی

جامعه زیدی یمن از دولت مرکزی بود (شیخ حسینی و محمدی، ۱۴۰۴: ۱۲-۱۱). تحولات پس از بیداری اسلامی در یمن، زمینه‌ساز ظهور انصارالله به‌عنوان عنصری جدید در محور مقاومت شد؛ عنصری که به لحاظ بستر تفکر مبتنی بر مذهب زیدی و به لحاظ ژئوپلیتیک نیز موقعیت منحصربه‌فردی در اختیار محور مقاومت قرار داده است (شیخ حسینی و محمدی، ۱۴۰۴: ۱۳-۱۲). انصارالله در سال‌های اخیر نقش فراملی قابل‌توجهی به‌عنوان بخشی از محور مقاومت ایفا کرده است و برخلاف سایر اعضای محور که عمدتاً شیعه اثنی‌عشری هستند، ماهیت زیدی انصارالله نشان می‌دهد که پیوند این جنبش با ایران بیش از آنکه ریشه در هویت مذهبی مشترک داشته باشد، مبتنی بر همکاری سیاسی، نظامی و راهبردی است. با این حال، جنبش دارای رهبری، پایگاه اجتماعی یمنی و اهداف داخلی خاص خود است که لزوماً در همه شرایط با منافع ایران هم‌سو نیست. حمایت ایران هم از انصارالله عموماً حمایت سیاسی-معنوی است، گرچه منابع غربی از حمایت ایران از انصارالله از طریق تأمین تسلیحات، آموزش، فناوری و پشتیبانی سیاسی سخن به میان می‌آورند. (Atlantic Council, ۲۰۲۴: ۳۶-۳۹)

جنبش انصارالله دارای شش ظرفیت کلیدی برای توسعه محور مقاومت است: گسترش ژئوپلیتیک محور مقاومت از طریق موقعیت جغرافیایی یمن با ۳۰ میلیون جمعیت و دسترسی به آب‌های بین‌المللی؛ هم‌جواری با عربستان و مرز ۱۳۰۷ کیلومتری که نگرانی‌های امنیتی ریاض را برانگیخته است؛ توسعه سیاسی-امنیتی در آفریقا به دلیل قرابت مذهبی و زبانی و ضعف حاکمیتی دولت‌های این قاره؛ مواجهه فکری با وهابیت از طریق تعطیلی مراکز علمی سلفیت؛ نشر تفکر استکبارستیزی با احیای مناسبت‌های ضد غربی؛ و تسلط بر آبراهه‌های مهم از جمله تنگه باب‌المندب که روزانه ۵۰ تا ۷۰ کشتی و حدود ۴۰ درصد از تجارت اروپای شرقی، آمریکای شمالی و آسیا از آن عبور می‌کند. این امتیازات به انصارالله امکان می‌دهد تا در راستای تقویت محور مقاومت و تغییر توازن قوا به نفع آن گام بردارد (شیخ حسینی و محمدی، ۱۴۰۳: ۱۳-۱۰).

پس از عملیات طوفان الاقصی در اکتبر ۲۰۲۳ و به جهت حمایت از حقوق فلسطینی‌ها، جنبش انصارالله یمن با حملات موشکی و پهپادی به رژیم صهیونیستی و کشتی‌های مرتبط با آن در دریای سرخ، حمایت خود را از فلسطین اعلام کرد و با حملات پهپادی و موشکی خود مسیر تنگه باب‌المندب را برای کشتی‌های تجاری-نظامی آمریکایی و صهیونیستی مسدود ساخت این نقش‌آفرینی انصارالله را به یکی از بازیگران اصلی محور مقاومت تبدیل کرد. (Carnegie Endowment, ۲۰۲۴: ۶-۸)

در جریان جنگ رمضان و متعاقب شهادت رهبر عظیم‌الشان انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در اواسط نبرد انصارالله یمن ورود خود را به عملیات نظامی در حمایت از تهران اعلام کرد و در جریان تشییع رهبر شهید

انقلاب نیز با اعزام هیئتی به تهران برای شرکت در مراسم تشییع، همبستگی خود را با ایران نشان داد. (Agenzia Nova, ۲۰۲۶)

باوجود اینکه انصارالله یمن در موقعیت بهتری نسبت به سایر اعضای محور مقاومت (همانند حماس، حزب الله، حشد الشعبی) برخوردار است. با این حال، آینده این جنبش با عدم قطعیت‌هایی مواجه است: تشدید تنش‌ها با عربستان و احتمال بازگشت به درگیری تمام‌عیار؛ فشارهای بین‌المللی و حملات هوایی آمریکا و رژیم صهیونیستی به مواضع انصارالله در یمن؛ و تردیدها درباره توانایی انصارالله برای حفظ نقش فراملی خود در شرایطی که محور مقاومت به‌طور کلی تضعیف شده است (Carnegie Endowment, ۲۰۲۵: ۳۴-۳۶)، آینده این جنبش را می‌تواند تحت تأثیر خود قرار دهند.

۴. حزب الله لبنان

حزب الله لبنان به‌عنوان نخستین و بزرگ‌ترین نماینده ایران در منطقه و یکی از ارکان اصلی محور مقاومت، نقشی راهبردی در معادلات امنیتی غرب آسیا ایفا می‌کند. این حزب که در اوایل سال ۱۹۸۲ با الهام از ایدئولوژی اسلام سیاسی امام خمینی در لبنان به وجود آمد. هدف از تشکیل آن مبارزه با رژیم اسرائیل، محو آثار امپریالیسم و استعمار در لبنان و برقراری حکومت اسلامی در این کشور بود. حزب الله از زمان تاسیس تاکنون فراز و فرودهای زیادی به لحاظ سیاسی و نظامی داشته است اما در برهه فعلی یکی از حساس‌ترین دوران حیات خود را پشت سر می‌گذراند. حزب الله که پس از انجام عملیات طوفان الاقصی و یک روز بعد از آن در حمایت از مردم فلسطین وارد نبرد با رژیم صهیونیستی شد در شهریورماه ۱۴۰۳ وارد یک جنگ پرهزینه با این رژیم شد که این جنگ ضربه‌ای بی‌سابقه به این سازمان وارد کرد. در این جنگ دبیر کل حزب الله، حسن نصرالله همراه با جانشین او هاشم صفی‌الدین و بخش بزرگی از فرماندهان ارشد نظامی ترور و به شهادت رسیدند و هزاران تن از نیروهای حزب الله در عملیات پیج‌ها زخمی یا کشته شده و زیرساخت‌های نظامی آن در جنوب لبنان، دره بقاع و حومه جنوبی بیروت تخریب گردید. (Hage Ali, 2025: 33)

باوجود این تلفات سنگین، حزب الله از فرصت آتش‌بس برای بازسازی و بازآرایی خود با استفاده کرد، اما سقوط دولت بشار اسد در سوریه در دسامبر ۲۰۲۴، ضربه‌ای راهبردی دیگر به حزب الله وارد کرد؛ زیرا سوریه به‌عنوان کریدور اصلی تأمین تسلیحاتی لبنان، نقش حیاتی در تأمین لجستیکی این سازمان ایفا می‌کرد.

در عرصه داخلی لبنان نیز، انتخاب ژنرال ژوزف عون به‌عنوان رئیس‌جمهور در ژانویه ۲۰۲۵ با ۹۹ رأی از ۱۲۸ رأی، نقطه عطفی در سیاست این کشور محسوب می‌شود که این مسئله بیانگر آن است که برای نخستین بار از سال ۱۹۹۲، رئیس‌جمهوری بدون تأیید ضمنی حزب الله، تهران و دمشق در لبنان به قدرت رسیده است. (Brookings, 2026: 26)

عون در سخنرانی تحلیف خود بر انحصار دولت بر سلاح و بازپس‌گیری حاکمیت ملی تأکید کرد و شعار دیرینه «ارتش، ملت، مقاومت» را کنار نهاد. (Brookings, 2026: 28-29) دولت به ریاست نواف سلام که در فوریه ۲۰۲۵ بر سرکار آمد، گام‌های عملی برای خلع سلاح حزب‌الله برداشته و در ۲ مارس ۲۰۲۶، فعالیت‌های نظامی این سازمان را به‌طور رسمی ممنوع اعلام کرده است (RUSI, 2026: 35-37). با این حال، اجرای این تصمیمات با چالش‌های جدی مواجه بوده است. حزب‌الله خواستار لغو این تصمیم شده و هواداران آن جاده‌ها را مسدود کرده‌اند و نمایندگان حزب‌الله هشدار داده‌اند که در صورت اصرار بر خلع سلاح، کشور به جنگ داخلی کشیده خواهد شد در مقابل، دولت لبنان خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان را به خلع سلاح حزب‌الله گره زده است.

در جریان جنگ و حمله دوازده‌روزه ۱۴۰۴ رژیم رژیم صهیونیستی به ایران، حزب‌الله از ورود به درگیری مستقیم خودداری کرد؛ تحلیل‌گران این خودداری را ناشی از تضعیف شدید حزب و محاسبه راهبردی تهران دانسته‌اند که قصد نداشت آخرین بازوی عملیاتی خود را در یک جنگ تمام‌عیار به خطر بیندازد. با این حال، با آغاز جنگ رمضان و شهادت آیت‌الله خامنه‌ای، حزب‌الله موضع فعال‌تری اتخاذ کرد و هم‌زمان با فروپاشی آتش‌بس، حزب‌الله حملات موشکی و پهپادی به رژیم صهیونیستی را آغاز کرد و جبهه جدیدی از جنگ را گشود. (Britannica, 2026: 13-16) در حال حاضر فشارهای داخلی و بین‌المللی برای خلع سلاح حزب‌الله به اوج خود رسیده و دولت لبنان با حمایت آمریکا به دنبال اجرای طرحی برای خلع سلاح تدریجی آن است، اما این مسیر با خطر جنگ داخلی و واکنش نظامی حزب مواجه است (Atlantic Council, 2025: ۴۷-۴۴).

۵. حماس و جهاد اسلامی

حماس و جنبش جهاد اسلامی فلسطین به‌عنوان دو رکن اصلی فلسطینی محور مقاومت شناخته می‌شوند که توانسته‌اند جایگاه خود را به‌عنوان بازیگران کلیدی در معادلات فلسطین و غرب آسیا برای چند دهه تثبیت کنند. هدف هر دو گروه آزادسازی و رهایی فلسطین از ظلم و جور رژیم صهیونیستی است و تمامی مبارزات سیاسی و نظامی آن‌ها معطوف به این مسئله است، گرچه در رویکرد مبارزه با یکدیگر هم دارای اختلافاتی هستند. یکی از مهم‌ترین تحولات در سرزمین‌های اشغالی وقوع عملیات طوفان الاقصی بود. در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، حماس با همکاری جهاد اسلامی و سایر گروه‌های فلسطینی، عملیات «طوفان الاقصی» را با شلیک حدود ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ راکت به سمت جنوب رژیم صهیونیستی و نفوذ زمینی، هوایی و دریایی به شهرک‌های رژیم صهیونیستی آغاز کرد که به کشته شدن حدود ۱۲۰۰ رژیم صهیونیستی و زخمی شدن ۳۵۰۰ نفر و اسارت بیش از ۲۴۰ نفر انجامید.

موفقیت عملیاتی حماس در ۷ اکتبر، ایران و حزب الله را در معمایی راهبردی قرارداد؛ اگر تمام توان آتش خود را به کار می گرفتند، خطر تشدید سریع به یک جنگ منطقه‌ای گسترده و حتی یک درگیری جهانی وجود داشت و اگر در حاشیه می ماندند، این امر می توانست استراتژی «وحدت میادین» آن‌ها را تضعیف کند که در آن به دنبال افزایش هماهنگی میان اعضای محور مقاومت بودند. (Carnegie Endowment, ۲۰۲۳: ۱۷-۲۰)

اما جنگ متعاقب حمله ۷ اکتبر، ضربه‌های سنگینی به حماس و جهاد اسلامی وارد کرد. حماس، هسته مرکزی مقاومت فلسطین، با تلفات انسانی و تخریب زیرساخت‌های بی سابقه‌ای در نوار غزه مواجه شد. دفتر سیاسی حماس و رهبران ارشد آن هدف حملات هدفمند رژیم صهیونیستی قرار گرفتند. ساختار فرماندهی و کنترل هر دو سازمان به شدت تضعیف شد و توانایی آن‌ها برای انجام عملیات نظامی هماهنگ به طور قابل توجهی کاهش یافت. سقوط دولت اسد در سوریه در دسامبر ۲۰۲۴ نیز ضربه‌ای راهبردی به حماس و جهاد اسلامی وارد کرد. (۱۴-۱۰: ۲۰۲۴, Chatham House) با آغاز جنگ رمضان و شهادت آیت الله خامنه‌ای، حماس و جهاد اسلامی ضمن اعلام همبستگی با ایران گرچه حملات محدودی علیه رژیم صهیونیستی انجام دادند، با این حال، تحلیل‌گران مؤسسه‌ی مطالعات امنیتی خاورمیانه تأکید کرده‌اند که این دو سازمان به دلیل تضعیف شدید، توانایی کمتری برای انجام عملیات نظامی گسترده داشتند و نقش آن‌ها بیشتر به پشتیبانی آتش و بازدارندگی نمادین محدود بود. (Springer, ۲۰۲۵: ۲۸-۳۲).

آینده حماس و جهاد اسلامی به عنوان اضلاع محور مقاومت هم با توجه به وضعیت سرزمین‌های اشغالی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. این دو سازمان با چالش‌های متعددی مواجه هستند: نخست، تضعیف ساختار فرماندهی؛ با ترور رهبران ارشد و تخریب زیرساخت‌های نظامی، توان عملیاتی حماس و جهاد اسلامی به شدت کاهش داده است. دوم، محدودیت در تأمین منابع؛ سقوط دولت بشار اسد و تشدید فشارهای بین‌المللی بر ایران، توانایی تهران را برای بازسازی ساختاری این سازمان‌ها محدود کرده است. سوم، فشارهای داخلی و بین‌المللی؛ جامعه جهانی و کشورهای عربی منطقه، با محوریت آمریکا، به دنبال تضعیف نفوذ ایران در فلسطین و مهار توانمندی‌های حماس و جهاد اسلامی هستند. با این حال، اهمیت راهبردی این دو سازمان برای ایران همچنان پابرجاست. ایران در بیانیه‌های رسمی خود تأکید کرده است که به حمایت از «جبهه مقاومت» به عنوان ستون مرکزی سیاست جمهوری اسلامی ادامه خواهد داد. (Amit Institute, ۲۰۲۵a: ۴۹-۵۲)

۷. روسیه

روسیه در قبال محور مقاومت همواره رویکردی ابزاری، عمل‌گرایانه و محاسبه‌گرانه در پیش گرفته است که ریشه نه در همسویی ایدئولوژیک با جمهوری اسلامی ایران بلکه در منافع راهبردی و رقابت با غرب دارد. با

این پیش‌فرض روسیه با بهره‌گیری از ظرفیت محور مقاومت، به دنبال افزایش نفوذ ژئوپلیتیک خود، تضعیف جایگاه آمریکا در منطقه و ایجاد توازنی در برابر نظم غرب محور است.

(Jamestown Foundation, ۲۰۲۴: ۳-۵). روسیه با وجود حمایت از اعضای محور مقاومت، اما اراده و توانایی کنترل کامل این شبکه را ندارد و اقدامات این کشور در بهره‌گیری از کارت بازی محور مقاومت در جهت تشویق اعضا به فشار بر آمریکا، به صورت محاسبه‌شده و محدود است، زیرا مسکو هم‌زمان مایل به حفظ روابط خود با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی است. (Azizi & Notte, ۲۰۲۴: ۳۶) به عبارت دیگر، روسیه از محور مقاومت به عنوان «ابزاری برای فشار بر آمریکا و متحدانش» استفاده می‌کند، اما حاضر نیست به خاطر آن، کل معادلات منطقه‌ای خود را به خطر بیندازد. گرچه روابط نظامی روسیه و ایران در جریان جنگ اوکراین به شدت گسترش یافت و مسکو بیش از ۴ میلیارد دلار سامانه‌های تسلیحاتی از جمله پهپادهای انتحاری از تهران خریداری کرد (Smagin, ۲۰۲۵: ۳۰-۳۶) و دو کشور پیمان مشارکت راهبردی را در ژانویه ۲۰۲۵ امضا کردند، اما با آغاز جنگ رمضان روسیه به طور مستقیم وارد درگیری نشد اما حمایت‌های سیاسی آشکار قابل توجهی از تهران به عمل آورد. در حوزه نظامی هم بنا به اظهار نظر ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، روسیه در جریان جنگ ۲۰۲۶ با اشتراک‌گذاری گسترده اطلاعات ماهواره‌ای برای هدف‌گیری نیروهای آمریکایی و ارسال فناوری پیشرفته پهپادهای فیر نوری و صدها سامانه پدافند هوایی قابل حمل به ایران کمک کرده است. (Middle East Institute, ۲۰۲۶: ۳۰).

با این حال، تحلیل‌گران کارنگی تأکید کرده‌اند که بیشتر منابع نظامی روسیه در جنگ اوکراین درگیر است و مسکو توانایی مداخله مستقیم در ایران را ندارد (Gabuev & Umarov, ۲۰۲۶: ۱۰-۱۱). روسیه همچنین روابط سیاسی خود را با حماس حفظ کرده و هیئت‌هایی از این گروه به طور منظم به مسکو سفر کرده‌اند و در ژوئیه ۲۰۲۶، ساعاتی پس از وتوی قطعنامه شورای امنیت در محکومیت حماس، هیئتی از این گروه در مسکو مورد استقبال قرار گرفت (Militarnyi, ۲۰۲۶: ۱۷-۲۳). در مورد سایر اضلاع محور مقاومت هم همانند حزب الله، رژیم صهیونیستی در نوامبر ۲۰۲۴ ادعا کرده است که انبار بزرگی از سلاح‌های روسی را در اختیار این سازمان در جنوب لبنان کشف کرده است که نشان‌دهنده همکاری فزاینده میان مسکو و حزب الله است. همچنین گزارش‌های اندیشکده‌های غربی همانند آتلانتیک و کارنگی حاکی از حضور افسران اطلاعاتی روسیه در مناطق تحت کنترل انصارالله یمن و بررسی امکان ارسال کمک‌های نظامی به این گروه است که به روسیه امکان می‌دهد بر آبراهه‌های استراتژیک از جمله تنگه باب‌المندب تأثیر بگذارد.

با این همه، روسیه با محدودیت‌های جدی مواجه است: از یک سو، جنگ اوکراین توان نظامی و صنعتی آن را محدود کرده است و از سوی دیگر، مسکو مایل به حفظ روابط خود با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و

رژیم صهیونیستی است و از این رو از حمایت بی‌قید و شرط از محور مقاومت خودداری می‌کند. در مجموع، نقش روسیه در محور مقاومت نه در مسیر تبدیل شدن به عضوی تمام‌عیار از آن، بلکه در موازنه‌گری میان منافع متضاد و بهره‌برداری راهبردی از شبکه مقاومت برای پیشبرد اهداف کلان خود در رقابت با غرب است.

۸. چین

چین هم مانند در قبال محور مقاومت رویکردی ابزاری، عمل‌گرایانه و محاسبه‌گرانه در پیش گرفته است که ریشه در منافع اقتصادی، امنیت انرژی و رقابت با غرب دارد. پکن به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، به شدت به ثبات منطقه وابسته است و از این رو هرگونه بی‌ثباتی گسترده را تهدیدی برای منافع ملی خود می‌داند. (The Conversation, ۲۰۲۴: ۳۶-۴۸) در این چارچوب، محور مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران، برای پکن دارای فرصت‌های راهبردی از جمله ترویج چندجانبه گرایی ضد غربی، گسترش همکاری‌های امنیتی و افزایش نفوذ چین در جهان اسلام است (Rahbordsyasi, ۲۰۲۵: ۱۰-۱۲). با این حال، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و خطر رویارویی با آمریکا، محدودیت‌های جدی بر سر راه این همکاری ایجاد کرده است. پس از عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، چین حمایت آشکار لفظی و عملی خود را از محور مقاومت اعلام کرد و در آوریل ۲۰۲۴، حملات ایران به رژیم صهیونیستی را «حق دفاع مشروع» توصیف نمود. (The Diplomat, ۲۰۲۴: ۲۷-۳۳). چین برخلاف آمریکا، حماس را یک سازمان تروریستی محسوب نمی‌کند و آن را نماینده‌ای مشروع از فلسطینیان می‌داند. پکن همواره بر راه حل دو دولتی به‌عنوان تنها راه حل مناقشه فلسطین تأکید کرده و خواستار آتش‌بس فوری در غزه و ارسال کمک‌های بشردوستانه شده است.

پس از ترور سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله نیز چین مخالفت خود با نقض حاکمیت لبنان را اعلام نمود (Chinese Foreign Ministry, ۲۰۲۴: ۱۲-۱۶). با آغاز جنگ رمضان علیه ایران، چین در موقعیتی دشوار قرار گرفت. از یک سو، به دنبال حفظ منافع اقتصادی خود در ایران و ثبات منطقه بود و از سوی دیگر، نمی‌خواست در تقابل مستقیم با آمریکا قرار گیرد. (Chatham House, ۲۰۲۶: ۴-۵)

سیاست چین در مواجهه با محور مقاومت با محدودیت‌های جدی مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، خطر رویارویی با آمریکا و تضعیف روزافزون محور مقاومت و ترس از تبعات آن اشاره کرد. (Rahbordsyasi, ۲۰۲۵: ۱۳-۱۴).

ب: مخالفان و معارضان محور مقاومت

ایالات متحده به عنوان مهم ترین مخالف محور مقاومت، به دنبال تضعیف و انحلال کامل محور مقاومت و ایجاد شرایطی است که ایران را مجبور به پذیرش حذف برنامه هسته‌ای، محدودیت شدید توان موشکی و پایان دادن به شبکه منطقه‌ای بازیگران غیردولتی کند (Young, ۲۰۲۶a: ۱۷-۲۷). ورود مستقیم ایالات متحده آمریکا به جنگ علیه ایران ناشی از این برآورد بود که با تضعیف بازوهای قدرت منطقه‌ای ایران، زمان تضعیف نظام سیاسی فرارسیده است. البته خط دهمی رژیم صهیونیستی به سیاست‌های کلی دولت فعلی ایالات متحده آمریکا در پایان دادن به فعالیت محور مقاومت با حمله به ایران بی‌تأثیر نبوده است. تحلیل‌گران موسسه کارنگی تأکید کرده‌اند که جنگ ۲۰۲۶ در عمل بیشتر جنگ رژیم صهیونیستی بوده که آمریکا به آن پیوسته است و حتی اهداف دو کشور در این جنگ کاملاً هم‌سو نیستند (Mneimneh, ۲۰۲۶: ۲۸). گرچه با امضای تفاهم‌نامه ۱۴ ماده‌ای اسلام‌آباد، باوجود امتناع مداوم آمریکا از پذیرش گروه‌های مقاومت به عنوان بازیگران تأثیرگذار بر معادلات منطقه غرب آسیا، آمریکا به‌طور عملی مجبور به رسمیت شناسی متحدان ایران در محور مقاومت در همان بند اول شده است.

یکی از اهداف اساسی تشکیل محور مقاومت، مهار رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا بوده است، بنابراین رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن مستقیم اصلی، طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۶ به‌طور سیستماتیک به دنبال تضعیف این محور بوده است. تحولات بعد از طوفان الاقصی فرصت مناسبی را برای رژیم صهیونیستی در جهت پیشبرد سیاست خود مهیا کرده بود. پس‌ازاین تحولات حزب‌الله بخش بزرگی از فرماندهی ارشد خود از جمله سید حسن نصرالله را در سپتامبر ۲۰۲۴ از دست داد.

نظام سیاسی حاکم بر سوریه یعنی دولت بشار اسد به عنوان دشمن دیرینه رژیم فروپاشد، حماس در طول جنگ غزه به شدت تضعیف شد و درگیری‌های نیابتی ایران با رژیم از خرداد ۱۴۰۴ از حالت کارزار بین کارزارها به یک نبرد آشکار تبدیل شده است، (Jewish Policy Center, ۲۰۲۶: ۳۳-۳۵) که اوج این تحولات جنگ رمضان در ۹ اسفندماه ۱۴۰۴ است.

اتحادیه اروپا نیز همواره رویکردی ترکیبی از تحریم، فشار سیاسی و میانجی‌گری در قبال محور مقاومت در پیش گرفته است. البته نقش این اتحادیه همواره یک نقشی تبعی بوده و به دلیل وابستگی به آمریکا از سیاست مستقلی در مواجهه با تحولات منطقه غرب آسیا و حتی نظام جهانی برخوردار نیست. با آغاز جنگ رمضان، اروپا موضعی دوگانه اتخاذ کرد: از یک‌سو، ایران را محکوم و سکوت راهبردی خود را در قبال اقدامات آمریکا و رژیم صهیونیستی حفظ نمود؛ از سوی دیگر، در ۱۸ مارس ۲۰۲۶ تحریم‌های جدیدی علیه برنامه هسته‌ای ایران وضع کرد (GHN, ۲۰۲۶: ۵-۹).

در درون منطقه غرب آسیا نیز رقابت‌ها بر سر نظم منطقه‌ای غرب آسیا که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته بود با پدیدار شدن محور مقاومت به رقابت‌های درون منطقه‌ای شدت بیشتری گرفت. نوع نگاه کشورهای عربی منطقه به محور مقاومت در راستای نوع نگاه آن‌ها به تلاش ایران برای تغییر معادلات منطقه‌ای از طریق ابزار گروه‌های مقاومت نیز قابل تفسیر و تحلیل است.

عربستان سعودی به دنبال سیطره نظم عربی با نقش‌آفرینی خود به‌عنوان هژمون منطقه‌ای است و سعی دارد تا در تحولات جدید منطقه خاورمیانه محور جدیدی به ریاست خود تشکیل داده که شامل قطر، مصر، پاکستان و ترکیه می‌شود تا تهدید ایران را مهار و نفوذ خود را در سوریه و لبنان باز پس گیرد (Vohra, ۲۰۲۶: ۱۵).

در مقابل، امارات متحده عربی ضمن پیوستن به پیمان صلح ابراهیم، ائتلاف خود با رژیم رژیم صهیونیستی را تقویت کرده و به شدیدترین منتقد ایران تبدیل شده است. (Newsweek, ۲۰۲۶: ۲۴-۲۵) این واگرایی به حدی است که امارات از اوپک خارج و رقابت اقتصادی با ریاض را تشدید کرده است. قطر نیز موضعی متعادل‌تر و گاهی نقش میانجی ایفا کرده است (میر حسینی، ۱۴۰۳: ۱۶). وجه اشتراک همه سیاست‌های کشورهای عربی منطقه تضعیف محور مقاومت و نظم ایرانی-اسلامی است.

ترکیه نیز رویکردی پیچیده و دوگانه در پیش گرفته است. آنکارا خود را یکی از برندگان اصلی تحولات پس از ۷ اکتبر به‌ویژه در سوریه معرفی می‌کند (Stockholm University, ۲۰۲۶: ۵-۹)، اما هم‌زمان از ایران به‌عنوان رقیب منطقه‌ای یاد می‌کند و به دنبال کاهش نفوذ آن است (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۰). از سوی دیگر، ترکیه به‌عنوان حامی حماس، حمایت مالی و سیاسی گسترده‌ای از این گروه ارائه می‌دهد و مرکز ثقل سازمانی حماس به‌سوی ترکیه منتقل شده است. (Asharq Al-Awsat, ۲۰۲۶: ۱۱-۱۴)

با تضعیف محور مقاومت، فضای مانور ترکیه گسترش یافته، اما نگرانی‌های امنیتی آنکارا از جسارت نظامی فزاینده رژیم صهیونیستی تشدید شده است (Carnegie Endowment, ۲۰۲۶: ۳۰)

۵-۲. تجزیه و تحلیل نرم‌افزاری داده‌ها

برای سنجش ساختار و راهبرد بازیگران پرسش نامه استاندارد روش تحلیل ساختار و راهبرد بازیگران به جامعه آماری مشارکت کننده در پژوهش در دو جدول ارسال شد. جدول اول محیط نموداری مکتور در خصوص تاثیرگذاری بازیگران بر یکدیگر است و پرسشنامه دوم به سنجش اهداف موضع هر بازیگر نسبت به راهبرد تعریف شده است.

MDI	گروه های مقاومت	جمهوری اسلامی ایران	چین	روسیه	اتحادیه اروپا	آمریکا	اسرائیل	کشورهای عرب منطقه	دولت لبنان	دولت عراق
گروه های مقاومت	0	2	1	1	2	4	4	2	2	1
جمهوری اسلامی ایران	4	0	2	3	3	3	4	3	3	2
چین	1	3	0	2	3	3	1	2	2	1
روسیه	1	3	0	3	3	1	1	1	2	0
اتحادیه اروپا	1	2	2	0	2	1	3	3	2	1
آمریکا	4	4	3	3	3	0	4	3	3	2
اسرائیل	4	4	0	1	1	4	0	2	2	4
عربستان	3	2	2	1	2	2	1	0	3	2
کشورهای عرب منطقه	3	3	1	1	3	3	2	3	0	2
لبنان	2	2	1	1	2	2	1	2	3	0
عراق	4	2	0	0	1	1	4	0	1	1
دولت عراق	3	3	1	1	1	1	2	2	1	2

جدول شماره ۲: ماتریس اثرگذاری و اثرپذیری بین بازیگران بر اساس نظرات خبرگان

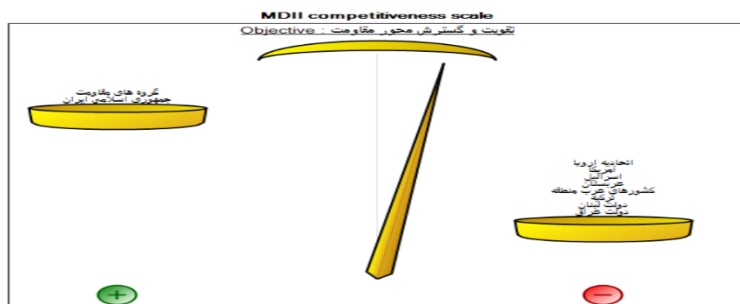
تأثیرات بر اساس میزان اهمیتی که خطر احتمالی برای بازیگر دارد، از ۰ تا ۴ درجه بندی می شوند عدد صفر به منزله این است که یک بازیگر بر بازیگر دیدگر بدون تاثیر است. عدد ۱ بیانگر این است که بازیگر می تواند بر رویه های عملیاتی بازیگر دیگر تاثیر گذار باشد. عدد ۲ نشان دهنده تاثیر گذاری بر پروژه های بازیگر، عدد ۳ نشان دهنده تاثیرگذاری بر مأموریت ها و عدد ۴ تهدید بقای بازیگر دیگر است.

2MAO	اهداف و استراتژی محور مقاومت	تهدید ساطع و تقویت محور مقاومت
گروه های مقاومت	1	-1
جمهوری اسلامی ایران	1	-1
چین	0	0
روسیه	0	0
اتحادیه اروپا	-1	1
آمریکا	-1	1
اسرائیل	-1	1
عربستان	-1	1
کشورهای عرب منطقه	-1	1
لبنان	-1	1
عراق	-1	1

جدول شماره ۳: ماتریس بازیگر نسبت به اهداف

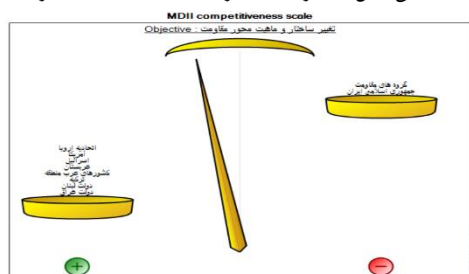
عدد صفر به معنی خنثی بودن کنش بازیگر نسبت به راهبرد تعریف شده است. عدد ۱+ به معنای موافق بودن بازیگر نسبت به راهبرد مدنظر و عدد ۱- به منزله مخالف بودن بازیگر نسبت به راهبرد است.

شکل شماره ۱: ارزیابی نقش بازیگران در خصوص تقویت و گسترش محور مقاومت



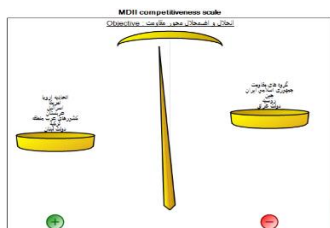
اطلاعات به دست آمده از مقیاس موقعیت بر اساس اهداف با ارزش رقابت وزنی – هدف بازیگران نشان می‌دهد که وزن مخالفان تقویت و گسترش محور مقاومت به مراتب بیشتر از موافقان آن است.

شکل شماره ۲: ارزیابی نقش بازیگران در تغییر ساختار و ماهیت و راهبرد محور مقاومت



در شکل شماره ۲ هم ارزیابی نقش بازیگران در تغییر ساختار و ماهیت و راهبرد محور مقاومت نشان می‌دهد که همان بازیگران مخالف گسترش و تقویت حشدالشعبی با تغییر ساختار و ماهیت محور مقاومت موافق هستند.

شکل شماره ۳: ارزیابی نقش بازیگران در انحلال و اضمحلال محور مقاومت



بر اساس نتایج این بخش از پژوهش می‌توان گفت که وضعیت محور مقاومت در تحولات بعد از طوفان الاقصی تا جنگ رمضان در وضعیت ناپایداری قرار گرفته است و لازم است راهبرد بقاء در دستور کار قرار گیرد تا از اضمحلال آن جلوگیری به عمل آید.

نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل ساختار و راهبرد بازیگران، تشریح وضعیت میدانی و چارچوب نظری پژوهش (تلفیق نظریه موازنه در برابر تهدید والت و واقع‌گرایی منطقه‌ای راجاگوپالان)، چهار گزاره راهبردی برای آینده محور مقاومت قابل استخراج است:

۱. تحلیل داده‌های نرم‌افزاری نشان می‌دهد که وزن مخالفان تقویت و گسترش محور مقاومت به مراتب بیشتر از موافقان آن است. هم‌زمان، شهادت رهبر انقلاب اسلامی، سقوط دولت اسد در سوریه و تضعیف بی‌سابقه حزب‌الله و حماس، ساختار سه‌گانه محور (مرجعیت ایدئولوژیک، هماهنگی لجستیکی و اتصال جغرافیایی) را با فروپاشی مواجه کرده است. بر اساس نظریه موازنه در برابر تهدید، دولت‌ها در مواجهه با تهدیدات وجودی، به جای گسترش دامنه نفوذ، به بازتعریف مرزهای بقای خود روی می‌آورند؛ بنابراین، راهبرد اصلی جمهوری اسلامی ایران در افق آینده، مدیریت بحران، تاب‌آوری و بازسازی شبکه حول محور شیعیان (ایران، حشدالشعبی، حزب‌الله) به عنوان سپری تدافعی خواهد بود، نه ابرازی تهاجمی برای گسترش منطقه‌ای.

۲. شکل شماره ۲ نشان می‌دهد که بازیگران مخالف گسترش محور، با تغییر ساختار و ماهیت آن موافق هستند. این یافته با تشریح وضعیت بازیگران هم‌خوانی دارد: حزب‌الله در لبنان با فشار مضاعف دولت و جامعه بین‌الملل برای خلع سلاح مواجه است؛ حماس و جهاد اسلامی با تضعیف ساختار فرماندهی و محدودیت در تأمین منابع، توان عملیاتی خود را از دست داده‌اند و حشدالشعبی در عراق با چالش انحصار سلاح در دست دولت و فشار آمریکا روبرو است. بر اساس واقع‌گرایی منطقه‌ای، در مناطق با نابرابری قدرت بالا، بازیگران ضعیف‌تر به جای موازنه سازی تهاجمی، به دنبال انطباق با شرایط جدید و بقای مشروط هستند؛ بنابراین، سناریوی تغییر ساختار، راهبرد و ماهیت محور مقاومت – با تمرکز بر بازتعریف هویت، کاهش کنشگری نظامی فراملی و اولویت‌دهی به بقای سازمانی – محتمل‌ترین سناریوی پیش‌روی این محور است.

۳. تشریح وضعیت کشورهای عربی منطقه نشان می‌دهد که علی‌رغم اشتراک در مخالفت با محور مقاومت، واگرایی عمیقی میان آن‌ها وجود دارد: عربستان سعودی محور جدیدی با مشارکت قطر، مصر، پاکستان و ترکیه تشکیل داده تا مهار ایران را با بازپس‌گیری نفوذ در سوریه و لبنان همراه کند؛ امارات متحده عربی در مسیر تقویت ائتلاف با رژیم صهیونیستی گام برداشته و از اوپک خارج شده است و ترکیه با وجود مخالفت با ایران، به عنوان حامی حماس نقش‌آفرینی می‌کند. این واگرایی بر اساس نظریه موازنه در برابر تهدید قابل تبیین است: دولت‌ها تهدید را به شکل متفاوتی ادراک می‌کنند (بر اساس مجاورت جغرافیایی، قابلیت‌های تهاجمی و نیات ادراک‌شده) و در نتیجه راهبردهای موازنه سازی متفاوتی در پیش می‌گیرند. این شکاف‌های راهبردی، هرچند محور مقاومت را تضعیف کرده است، اما از اضمحلال کامل آن نیز جلوگیری می‌کند؛ زیرا مخالفان به جای ائتلافی منسجم، هرکدام به

دنبال بهره‌برداری یک‌جانبه از تحولات منطقه‌ای هستند و این وضعیت، فضایی برای بقای مشروط و مانور راهبردی محور مقاومت فراهم می‌آورد.

۴. تحلیل وضعیت روسیه و چین نشان می‌دهد که هر دو بازیگر با رویکردی ابزاری و محاسبه‌گرانه، از محور مقاومت به‌عنوان اهرم فشاری علیه آمریکا بهره می‌برند، اما از حمایت بی‌قیدوشرط خودداری می‌کنند. روسیه و چین با حمایت دیپلماتیک از ایران و همچنین مخالفت با محکومیت حماس، نقش تثبیت‌کننده‌ای در بقای محور ایفا کرده‌اند. بر اساس نظریه واقع‌گرایی منطقه‌ای، مداخله قدرت‌های بزرگ در مناطق، ظرفیت قدرت‌های منطقه‌ای برای هژمونی را محدود می‌کند و امکان بقای بازیگران ضعیف‌تر را فراهم می‌آورد. با توجه به درگیری روسیه در جنگ اوکراین و رویکرد محتاطانه چین در قبال تقابل با آمریکا، حمایت این دو بازیگر در افق کوتاه‌مدت ادامه خواهد یافت، اما در میان‌مدت، تضعیف روزافزون محور مقاومت، آن‌ها را به بازنگری در محاسبات راهبردی خود وادار خواهد کرد و این امر، بقای محور را با چالش‌های جدی‌تری مواجه می‌سازد.

منابع

پور اسماعیلی، نجمه؛ اردکانی، علی اسماعیل (۱۴۰۲)، «ادراک رهبران ترکیه و عربستان از مقوله محور مقاومت»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره ۳۳، دوره ۱۲، صفحه ۵۹-۹۳.

شیخ حسینی، مختار؛ محمدی، ایمان (۱۴۰۳)، «نقش فکری- سیاسی انصار الله در توسعه محور مقاومت»، فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام، دوره ۱۲، شماره ۱، صفحه ۱۷۳-۱۵۱.

گلن، جروم سی، گوردن، تئودرجی (۱۳۹۴)، «مرجع شناسی آینده‌پژوهی»، ترجمه ابوذر سیفی کلستان، تهران، انتشارات فرهیختگان دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله.

میر حسینی، فرشته (۱۴۰۳)، «قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با عنوان محور مقاومت در منطقه غرب آسیا»، دو فصلنامه انقلاب پژوهی، سال دوم، شماره ۳ صفحه ۱۴۸-۱۲۵.

- Agenzia Nova. (2026). "Mar Rosso: torna il rischio di un blocco Houthi a Bab el Mandeb." July 16, 2026.
- Al Jazeera. (2026). "Analysis: Khamenei's killing leaves Iran's 'axis' in disarray as war widens." March 2, 2026. Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2026/3/2/khamenei-killing-iran-axis-disarray>.
- Amit Institute for Terrorism and Intelligence Research. (2025a). "Activities of Saeed Izadi, Head of the Qods Forces' 'Palestine Branch'." February 3, ۲۰۲۵.

- Asharq Al-Awsat. (2026). " Hamas Shifts Its Center of Gravity to Türkiye." July 9, 2026.
- Atlantic Council. (2024). "Threats from Yemen are increasing. It's time to redesignate the Houthis." December 11, 2024.
- Atlantic Council. (2025). "What to know about the history (and future) of the Hezbollah disarmament question." August 13, 2025.
- Atlantic Council. (2026). "The future of Iran's axis of resistance." March 24, ۲۰۲۶.
- Azizi, Hamidreza, and Hanna Notte. "Russia's Dangerous New Friends: How Moscow Is Partnering With the Axis of Resistance." Foreign Affairs, February 14, 2024.
- Britannica. (2026). "Israel-Hezbollah war (2023)." April 15, 2026.
- Brookings Institution. (2026). "Lebanon between war and statehood: Shrinking the space for Hezbollah." June 8, 2026.
- Carnegie Endowment for International Peace. (2023a). "The Makings of a Disaster." November 6, 2023.
- Carnegie Endowment for International Peace. (2024). "The Houthi Factor: Gaza, the Axis of Resistance, and Middle East Stability." August 13, 2024.
- Carnegie Endowment for International Peace. (2025). "Leverage Beyond Yemen: Ansar Allah and Its Iraqi Alliances." February 25, 2025
- Carnegie Endowment for International Peace. (2026). "The Evolving Middle Eastern Regional Order: Türkiye-Iraq Relations in Context." February 18, 2026.
- Chatham House. (2024). "The fall of Assad has exposed the extent of the damage to Iran's axis of resistance." December 13, 2024.
- Chatham House. (2026). "Can Iraq's new prime minister finally rein in its armed factions?" June 8, 2026.
- Chatham House. (2026). "The Iran war exposes the limits of Russia's leverage in a fragmenting regional order." March 2, 2026.
- Chinese Foreign Ministry. (2024). "Foreign Ministry Spokesperson's Remarks on the Killing of the Leader of Lebanon's Hezbollah Hassan Nasrallah." September 29, 2024.
- Clingendael Institute. (2025). "The Silent Frontlines: Why the 'Axis of Resistance' Stayed Quiet in the Iran-Israel War." September 2, 2025.
- CSAG (Combined Strategic Analysis Group). (2025). "Iran's Shadow Army: The PMF's Growing Influence in Iraq." NESACenter, May 14, 2025.
- CTC West Point (Combating Terrorism Center). (2023). "The Path to October 7: How Iran Built Up and Managed a Palestinian 'Axis of Resistance'." December 21, 2023.

- Gabuev, Alexander, and Temur Umarov. "Why Are China and Russia Not Rushing to Help Iran?" Carnegie Politika, March 10, 2026.
- GHN. (2026). "EU imposes more sanctions on Iran for nuclear program." July 15, 2026.
- GMU CSPS (George Mason University, Center for Security Policy Studies). (2025). "The Limits of Iranian Influence in Post-ISIS Iraq." November 17, ۲۰۲۵.
- Gulf News. (2026). "Iraq gives Iran-backed militias Sept. 30 deadline to disarm as US coalition exit looms." June 30, 2026.
- Hage Ali, Mohanad. (2025). "Hezbollah's Israeli-Iranian Quandary." Carnegie Endowment, June 19, 2025.
- IRSEM (Institut de Recherche Stratégique de l'École Militaire). (2024). "Shiite Militias and the State in Iraq: Between Integration and Empowerment." Research Paper No. 68.
- Jamestown Foundation. "Russia Increases Ties with Iran's Axis of Resistance." Eurasia Daily Monitor, November 26, 2024.
- Jewish Policy Center. (2026). "Primacy Without Order: Israel's Place in the Region." July 7, 2026.
- Kang, Xin, and Lei Jingying. (2024). "Uncontrollable Proxies? New Trends in Iran's 'Axis of Resistance' and Its Implications." Arab World Studies, no. ۶: ۱۲۳-۱۳۲.
- Keating, Joshua. (2026). "Iran had a plan to fight Israel and the US. It all collapsed after October 7." Vox, March 4, 2026. Available at: <https://www.vox.com/2026/3/4/iran-axis-resistance-collapse>
- Lord, Jonathan, et al. "Threats from Yemen are increasing. It's time to redesignate the Houthis." Atlantic Council, December 11, 2024.
- Middle East Institute. "Russia's Wartime Support for Iran." June 3, 2026.
- Militaryni. " Hamas delegation visits Moscow. Israel condemns Russian Federation." July 10, 2026.
- Mneimneh, Hassan. (2026). "The U.S. Risks Much, but Gains Little, with Iran." Carnegie Endowment, March 11, 2026.
- Morgenthau, Hans J. Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace. New York: Alfred A. Knopf, 1948.
- Newsweek. (2026). "Where the new Middle East order stands today." June ۲۶, ۲۰۲۶.

- Pepperdine Policy Review. (2026). "The Monopoly of Violence in Iraq: The Emergence of the Islamic Resistance of Iraq, Mobilization of the PMF, and the Future of State Stability." Vol. 18, Article 2.
- Rahbordsyasi. (2025). "Opportunities and Challenges of the Resistance Axis and the Neo-Muslim Brotherhood Axis in China's New Foreign Policy in West Asia." Vol. 9, Issue 2, Summer 2025, pp. 21-45.
- Rajagopalan, Rajesh. "Regional Realism: Expanding Realist Theory Beyond the Great Powers." Security Studies Seminar, Carnegie Endowment for International Peace, July 10, 2025.
- Rudaw. (2025). "Latest NDAA draft ties US aid to Iraq to weakening Iran-aligned militias." December 8, 2025.
- RUSI (Royal United Services Institute). (2026). "Hollowing Out Lebanon: How Pressure on Hezbollah Could Save It." June 2, 2026.
- Schweller, Randall L. "Rise of Great Power: History and Theory." In *Engaging China: The Management of an Emerging Power*, edited by Alastair Iain Johnston and Robert S. Ross. London: Routledge, 1999.
- Smagin, Nikita. "Iran's Twelve-Day War Has Only Boosted Its Cooperation With Russia." Carnegie Politika, November 21, 2025.
- Springer. (2025). "Enduring Resistance from Tehran." August 20, 2025.
- Stockholm University. (2026). "A Difficult Balancing Act: Turkish-Iranian relations in turbulent times." June 9, 2026.
- The Conversation. (2024). "The year ahead in the Middle East: A weakened Iran has big implications for China." December 22, 2024.
- The Diplomat. (2024). "China Is Recalculating Its Middle East Policy." November 14, 2024.
- UK Parliament. (2026). "The UAE exits OPEC and Saudi-UAE tensions in ۲۰۲۶." ۸, ۲۰۲۶.
- Vohra, Anchal. (2026). "The Middle East Has a New Saudi-Led Axis." Foreign Policy, July 1, 2026.
- Walt, Stephen M. *The Origins of Alliances*. Ithaca: Cornell University Press, ۱۹۸۷.
- Waltz, Kenneth N. *Theory of International Politics*. New York: McGraw-Hill, 1979
- Washington Institute for Near East Policy. (2025). "If Iraq Passes the New PMF Law, the U.S. Response Should Be Severe." August 4, 2025.
- West Point CTC (Combating Terrorism Center). (2026). "Standing With Iran: The Integrated Combat Performance of Iraqi Militias During Operation Epic Fury." June 2026.

- Young, Michael. (2026). "Axis of Resistance or Suicide?" Carnegie Endowment for International Peace, March 2, 2026. Available at: <https://carnegieendowment.org/2026/03/02/axis-of-resistance-or-suicide>
- Young, Michael. (2026a). "Axis of Resistance or Suicide?" Carnegie Endowment, March 2, 2026.